

# جنگ بین الملل

و

وقایع شهریور ۱۳۲۰

۳۸

این اظهار شاه که هیچ انتظار آن نصیرت موجب بهت ما گردید . مرحوم فروغی اظهار داشت خوب است این یادداشت ها را ملاحظه بفرمائید اگر باز تصمیم برفتن داشته باشید مانعی ندارد . شاه قبول نمیکرد و اصرار داشت خلاصه آنرا بگوئید . فروغی تمنی کرد این جا جلوی درب باغ مناسب نیست استدعا می کنم به عمارت تشریف فرما شوید . شاه ابا و امتناع داشت . از طرف همه ما بالا جماع استدعا شد لاقلاً چند دقیقه به عمارت تشریف فرما شوند و از الاحضرت ها خواسته می شد که شاه را راضی کنند . در این بین مرحوم سهیلی و دکتر سجادی خود را مقابل شاه قرار دادند و عرض کردند ابداً "مصلحت شخص شاه و ملت و مملکت نیست که این مسافرت صورت بگیرد . شاه کمی مکث نمود مویا یک نگاه پرمحبت و علاقه که ضمناً "تاتر هم از آن دیده می شد گفت آیا من نمی توانم در داخل مملکت هم مسافرت بنمایم . مگر این حق هم از من سلب شده است؟ این عبارت خیلی غیر منتظره که یک پادشاه با این قدرت حالا این طور صحبت می کند .

باری گفته شد خروج شما در این موقع از پای تخت که همه جور شایعه در شهرو وجود دارد با از هم پاشیدگی امور کشور بخصوص شدت بحران در تهران مواجه می شود . مصلحت نیست بعداً" اگر مردم اطلاع پیدا کنند شاه از طهران خارج شده نگرانی آنها دو صد چندان خواهد شد . فرمودند دولت که بوضع سلطاست و امور مملکت را اداره می کند هر وقت هم بخواهد می تواند با اصفهان تماس بگیرد و از من کسب تکلیف کند . بعد پرسیدند امروز مذاکرات بکجا کشید چه اطلاعی از پیشرفت قوای آنها بسوی پایتخت رسید . فروغی عرض کرد شرفیابی دسته جمعی برای عرض گزارش مذاکرات امروز است . پرسیدند فکر می کنید حضرات قصد اشغال طهران را دارند ؟ مرحوم سهیلی عرض کرد تا این لحظه بما اطمینان داده اند که تصمیمی برای اشغال طهران ندارند و صدها کیلومتر قوای خود را دور از طهران مستقر خواهند کرد . کم کم شاه حاضر شد که برای اطلاع از مضمون یادداشت ها به عمارت بیاید . در این ضمن فروغی که دید زمینه حاضر است استدعا کرد اصولاً "شاه مسافرت را موقوف کند و استدلال کرد اگر شاه تهران را ترک نماید سلطاً" اعتشاش شده و بهترین بهانه خواهد بود که قشون روس و انگلیس وارد طهران شوند و بقدری اصرار کرد که بالاخره شاه متوجه شد رفتن از طهران ممکن است اثرات سوئی داشته باشد بنابراین قبول کرد ولی رو کرد به ولیعهد که تو برو چون منتظر

با هستند و نمی‌شود یک‌کده زن و بچه را تنها گذاشت والا حضرت جدا" استنکاف کرد و با نهایت صراحت گفت من شاه را تنها نمی‌گذارم . از طرف شاه اصرار و از طرف ولیعهد استنکاف بالاخره شاه عصبانی شد و بولیعهد گفت با تغییر که حکم میکنم تو با شاه پورها بروی و خودش بسمت عمارت حرکت کرد . مرحوم آهی قدری مکث کرد و با ولیعهد به صحبت پرداخت و اصرار که ایشان هم نروند . خلاصه وارد اطاق هیئت با شاه شدیم فروغی نقشه و یادداشت‌ها را درآورد که بخواند شاه گفت خلاصه‌اش را بگو . در ضمن متوجه شد که آهی نیست . پرسید آهی چه شد ؟ سهیلی گفت با والا حضرت صحبت می‌کند . شاه گفت من می‌دانم این بچه بم علاقه مند است نخواهد رفت . فروغی عرض کرد بهتر است که ایشان هم باصفهان نروند . شاه قانع شد و گفت بگوئید ولیعهد بیاید به ایشان اطلاع داده شد با مرحوم آهی آمدند . مرحوم آهی بعدها گفتند ولیعهد در باطن میل داشت شاه باصفهان بروند ولی وقتی مشاهده کرد شاه قانع شدند که تشریف نبرند حاضر نشدند پدرشان را ترک کنند و با وجود امر صریح شاه که تو برو با شاه پورها شاید برای اولین بار از فرمان پدر خویش با وجود اینکه لباس نظامی به تن داشت و افسران باید دستور مافوق را اطاعت کنند سرباز زد و این خود حاکی از منتهای عشق و علاقه فرزند به پدر است ؟ باری مرحوم فروغی خلاصه یادداشت‌ها را توضیح و نقشه را نشان داد که منطقه اشغالی قشون شوروی آذربایجان و گیلان و مازندران و گرگان و قزوین میباشد و منطقه اشغالی قشون انگلیس خوزستان ، کرمانشاهان و ملایر و همدان است . شاه سؤال کرد اطمینان دارید آقایان جلوتر از این محل‌ها نمی‌آیند و کارهای داخلی این منطقه‌ها با خود ماست و در این شهرها قوای نظمیه و امنیه خواهیم داشت ؟ بعد با تردید گفت : بسیار خوب ببینید اگر مصلحت است قبول کنید و با تمسخر گفت پس آقایان نه تنها با من کار دارند بلکه می‌خواهند در املاک ما باشند باز فکری کرده و گفتند با این ترتیب تصور میکنم ماندن ما در طهران ضرورتی ندارد و ما امشب باصفهان خواهیم رفت اینکه می‌گوئید قشونشان به طهران نخواهد آمد از کجا بحرف آقایان می‌شود اطمینان کرد مگر این‌ها قول ندادند دیگر شهرهای ما را بمباران نکنند آنروز که باز بمباران کردند تا راه باز است باید رفت والا اگر این جا آمدند و راههای جنوبی طهران را گرفتند آنوقت دیگر نمیشود رفت و ما را در طهران محاصره خواهند کرد . ولیعهد با این استدلال عقیده برفتن داشت از وزراء هم امیرشوکت علم با رفتن شاه به اصفهان موافق بود ( بعدها شنیدیم ایشان با آقای قوام قرار داشتند پس از حرکت شاه آنها هم به سمت بیرجند و شیراز حرکت کنند) مرحوم فروغی یک جواب بسیار منطقی به سخنان شاه دادند : گفتند فرض کنیم

راه طهران بجنوب باز باشد راه کشور بخارج که باز نیست تمام سرحدات ما در دست آنها است اگر آنها چنین نظری داشته باشند چه طهران چماصفهان برای آنها فرق نمیکند بعلاوه ماهنوزدلیلی نداریم که حرف آنها را باور نکنیم مگر آنها را ما مجبور کردیم این یادداشت ها را امروز بدهند اگر این یادداشت ها را تا بیست روز دیگر نمی آوردند ماکه وسیله نداشتیم از نظریات آنها چیزی بفهمیم بعلاوه اگر در این یادداشت ها اشغال طهران هم پیش بینی شده بود مگر ما می توانستیم کاری بکنیم ؟ باز مذاکرات زیادی شد بالاخره شاه تصمیم خود را گرفت و اظهار کرد حالا که شماها مصلحت می دانید من خواهم ماند و نمیروم . مجدداً به ولیعهد اصرار کردند که پس تو برو ولی عهد جدا" استتکاف از رفتن کرد . بعد به ولیعهد دستور دادند که برو به شاه پورها بگو ما بطور قطع نخواهیم رفت شماها فوراً حرکت کنید و بروید اصفهان . ولیعهد به شاه عرض کرد پس آن دستور چه می شود ؟ شاه فکری کرد گفت برو با تلفن به سرلشکر ضرغامی و دیگران بگو اقدام نکنند . ولیعهد برای ابلاغ دستور رفت ما نفهمیدیم مقصود از دستور چه بود روز بعد دانستیم عصر آنروز حکم عمومی بود که شاه باصفهان میرود لشکراول موضع های نظامی و گردنه حسن آباد و علی آباد را قشون می گذارد تا شاه عبور کند . ولیعهد به اطاق هیئت آمد شاه پرسید دستور به سرلشکر ضرغامی وزیر جنگ دادی ؟ ایشان اظهار کردند . بلی . بعد رو کردند به مرحوم فروغی فرمودند بسیار خوب بروید یادداشت ها را مطالعه کنید من با اصول این پیشنهادها موافقم ولی سعی کنید اقلاً قشون روس از مازنداران و قزوین برود و در منطقهای اشغالی ما قشون داشته باشیم منتهی در سربازخانهها مخصوصاً در اهواز و کرمانشاهان و در امور داخلی خودمان آزاد باشیم . بعد اظهار کردند حالا که ما می مانیم وسیله نداریم آشپز و دیگران رفته اند . سهیلی عرض کرد ممکن است از باغ وزارت خارجه آشپز و سرویس و پیشخدمت بیاورند . ولی شاه زنگ زد و عباس سرایدار را خواست دستور داد از مهمانخانه دربند شام تهیه کند . باز تذکر دادند بروید یادداشت ها را مطالعه کنید چون تامل ما را دیدند فرمودند خیال می کنید من می خواهم بروم این طور نیست وقتی گفتم نمیروم دیگر نخواهم رفت ولو خطری برای من باشد . چون امر صریح بود ما هم اطاعت کرده از قصر خارج شدیم . با افکار پریشان بعضی از آقایان عقیده داشتند شاه ما را گول زده خواسته است ما زودتر برویم که تا اینشان حرکت کنند . مرحوم فروغی عقیده داشت که من اخلاق شاه را بهتر از شماها می شناسم سالها با ایشان کار کردم وقتی یک تصمیم گرفت عمل خواهد کرد . خلاصه قرار شد بمنزل برویم و فردا در هیئت حضور بهم رسانیم .

من مستقیماً از سعدآباد با مامزاده قاسم رفتم . در میدان تجریش جمعیت خیلی

زیاد بود و اوضاع غیرطبیعی بنظر می آمد . منزل که رسیدم گفتند آقایان عضدی و دکتر امینی منزل معتمدالسلطنه هستند و منتظر من میباشند . آنجا که رفتم آقایان گفتند کار تمام شد شاه رفت باید فوری ما هم برویم . هرچه من گفتم این طور نیست تا الان که ساعت ۹ است شاه در کاخ سعدآباد می باشد . آقایان قبول نکردند . سروان فولادوند گفت رسماً " حکم قشون بود که شاه اصفهان می رود و در ساعت ۷ گفتند اعلیحضرت اصفهان رفتند .

آقایان عضدی و دکتر امینی به من اظهار کردند اگر مصلحت نیست در حضور معتمدالسلطنه و دامادش چیزی بگویم خوب است برویم منزل شما صحبت کنیم . بعد آقایان جریان اوضاع شهر را بیان کردند . گفتند در حدود ساعت چهار عصر یک مرتبه گروه گروه سربازان لخت و عور در خیابانهای طهران پیدا شدند مردم از دیدن قیافه های ناثرانگیز سربازها که اغلب جز یک پیراهن و زیرشلواری چیزی به تن نداشتند دوچار وحشت و اضطراب شده بخیال اینکه سربازخانهها باشغال قشون بیگانه درآمده تصمیم به تخلیه شهر گرفتند آنها که اتومبیل داشتند زودتر از همه تهران را به طرف قم و اصفهان ترک کردند آنهایی هم که وسیله نداشتند پای پیاده بطرف حضرت عبدالعظیم و دهات اطراف پای تخت راه افتادند . گویا دستور بوده که سربازان و درجه داران سپاه را از خدمت مرخص کنند بعدها بجای آنها سرباز داوطلب استخدام کنند . بنابراین مسلم است شاه رفته یا خواهد رفت . من با آقایان اطمینان دادم که قطعاً شاه نخواهد رفت . قشون روس و انگلیس به طهران نخواهند آمد و مختصری از یادداشت هائی را که داده بودند باطلاع آقایان رساندم . آقایان مطمئن شده و رفتند . من با یک دنیا افکار پریشان خوابیدم .

اینک برای اطلاع خوانندگان ابتدا یادداشت های رسمی سفراء روس و انگلیس را که موجب شد شاه از رفتن اصفهان منصرف شد عیناً" برای ضبط در تاریخ درج مینمایم : سپس گزارش مفصل پاشیده شدن قشون و اقدامات خائنانه افسران که باعث سرافکندگی کشورگردید و اقدامات شاه رضا شاه در مقابل این عملیات در روزهای بعد را نقل خواهم کرد . یادداشت سفارت انگلیس بن تاریخ ۸ شهریور ۱۳۲۰ به وزارت خارجه ایران . .

آقای وزیر محترماً" بطوری که قبلاً" هم تذکر داده شده خاطر جنابعالی را مستحضر می داریم .

۱ - دولتین اعلیحضرت پادشاه انگلستان و شوروی هیچ نقشهای علیه استقلال یا تمامیت ارضی ایران ندارند و علت اینکه مجبور شدند اقدامات نظامی بعمل آورند این بوده است که دولت ایران توجهی به پیشنهادات آنها نکرده است لیکن این گونه اقدامات بر

علیه خود ایران اتخاذ نگردیده بلکه فقط بر علیه تهدید اقدامات ممکنه آلمانی هائی بوده که در نقاط مهم کشور ایران قرار گرفته بود مانند چنانچه دولت ایران فعلاً "حاضر به تشریک مساعی باشند علت ندارد که عملیات خصمانه ادامه پیدا نماید .

۲ - دولتین اعلیحضرت پادشاه انگلستان و شوروی خواستار بعضی ضمانت هائسی می باشند که فعلاً "دولت ایران در حقیقت مایل به انجام تقاضاهای عادلانه آنها هستند تقاضای مزبور به قرار ذیل است :

الف - دولت ایران باید امر صادر نماید که قشون ایران بدون مقاومت بیشتری از شمال و شرق خطی از خانقین ، کرمانشاه ، خرم آباد ، مسجد سلیمان ، هفتگل ، گچساران و بندر دیلم عقب نشینی کنند .

- در شمال قشون ایران باید از نقاط اشنو ، حیدرآباد ، میاندوآب ، زنجان ، قزوین ، خرم دره ، بابل ، زیرآب ، سمنان ، شاهرود ، علی آباد شاهی ، عقب نشینی کنند . نقاط نام برده بالا موقتاً "بوسیله قشون انگلیس و شوروی اشغال خواهد شد .

ب - دولت ایران بایستی در ظرف یک هفته کلیه اتباع آلمانی باستثنای اعضای حقیقی سفارت آلمان و چند نفر اشخاص فنی که در ایستگاههای مخابرات و نظامی نباشند از ایران خارج کرده و صورت اسامی آلمانیهای مزبور را برای موافقت نمایندگان سیاسی از شمال و شرق خطی از خانقین ، کرمانشاه ، خرم آباد ، مسجد سلیمان ، هفتگل ، گچساران و بندر دیلم عقب نشینی کنند .

- در شمال قشون ایران باید از نقاط اشنو ، حیدرآباد ، میاندوآب ، زنجان ، قزوین ، خرم دره ، بابل ، زیرآب ، سمنان ، شاهرود ، علی آباد شاهی ، عقب نشینی کنند . نقاط نام برده بالا موقتاً "بوسیله قشون انگلیس و شوروی اشغال خواهد شد .

ب - دولت ایران بایستی در ظرف یک هفته کلیه اتباع آلمانی باستثنای اعضای حقیقی سفارت آلمان و چند نفر اشخاص فنی که در ایستگاههای مخابرات و نظامی نباشند از ایران خارج کرده و صورت اسامی آلمانیهای مزبور را برای موافقت نمایندگان سیاسی انگلیس و شوروی در تهران تسلیم نماید .

ج - دولت ایران بایستی تعهد نماید اتباع آلمانی دیگری بخاک ایران وارد نشوند .  
د - دولت ایران بایستی تعهد نماید که مانعی در راه حمل لوازمی که شامل ادوات جنگی نیز خواهد شد و از وسط خاک ایران بین نیروهای شوروی و انگلیس بعمل خواهد آمد قرار نداده و بلکه تعهد نماید وسائل تسهیل عمل و نقل این قبیل لوازم را که بوسیله راه آهن یا راه یا از طریق هوا حمل می شود فراهم سازد .

۳ - در مقابل دولتین انگلیس و شوروی موافقت می نمایند که :

الف - حقوق مربوط به نفت و غیره ایران را کمان فی السابق بپردازند .  
ب - وسائل تسهیل لوازم مورد احتیاج اقتصادی ایران را فراهم سازند . ( ناتمام )